

کرونا از رگ گردن هم نزدیکتر است



یلدا را در خانه جشن بگیریم

بهر روز سورن

بسیاری در ابتدای شیوع ویروس کرونا آنرا جدی نمی‌گرفتند. بسیاری دیگر آنرا نقشه ای برای تغییر مناسبات موجود توسط بالایی ها! میدانستند و بسیاری دیگر آنرا دروغ بزرگ میخواندند. هنوز هم هستند کسانی که به آن باور ندارند و پیاپی از اجرای قواعد مبارزه با پاندمی موجود سر باز میزنند. آمارها و داده های خبری منابع مربوط به مراکز بهداشت و درمان و یا گزارشات رسمی کشورها را سناریو تغییر میدانند. حقیقت اما رفته رفته تصاویر دیگری را به جوامع انسانی نشان میدهد. شکی نیست که آمار بسیاری از کشورها با حقایق مطابقت ندارد. نه از اینجهت که شمار مبتلایان و مرگ و میر را از خودشان در می آورند بلکه بسیار نازلتر ارائه میدهند.

اول اینکه ناتوان از شناسایی دقیق مبتلایان حقیقی در میان جمعیت هستند و دوم اینکه جهت جلوگیری از سراسیمگی و احیانا اعتراضات علیه مناسبات حاکم شمار و میزان رسانه ای شدن آنها را بنوعی مهندسی میکنند. تقریبا غالب دول حاکم کشورها کم یا زیاد از این

دو مولفه سود میبرند. جامعه پزشکی مدتهاست که با سودآوری در مجموع پیوند خورده است. امروزه در کشورهایی همانند ایران بیماران کرونایی که امکان پرداخت مخارج سنگین معاینه و مداوا را ندارند به پشت درب بیمارستانها هم نمیرسند. در خانه و یا صحن خیابانها جان میدهند. آنها نیز که در بیمارستانها و بهداریها وظایف شغلی و انسانی خود برای مداوای بیماران کرونایی را انجام میدهند نیز به پایان خود رسیده اند.

پرسنل درمانی در کشورمان با شرایطی بسیار مخاطره آمیزتر نسبت به کشورهای صنعتی پیشرفته درگیرند. بسیار بیشتر از ظرفیت های استاندارد در کشور بیمار پذیرفته اند و شرایطی غیرعادی و نیرویی مضاعف را ارائه میدهند و حتی پاداش این جانفشانی را نیز دریافت نمیکنند. پرستاران و کادر درمانی به آخر خط رسیده اند. خسته و فرسوده با کمترین امکان حفاظتی به مقابله با کرونا رفته اند که نزدیک به یکسال خواب را از چشم بشریت ربوده است.

آنها میگویند که ماهها از دیدار خانواده خود محروم میمانند و تنها با یک ماسک ساده با بسیاری از مبتلایان روبرو میشوند و به درمان آنها میپردازند. بسیاری از پرسنل درمانی همانطور که در گزارشها آمده است جان باخته اند و بسیاری دیگر خود به کرونا مبتلا و سپس پس از بهبودی به درمان آنها ادامه میدهند. از پرستاری نقل شده بود که تعدادی از پرستاران برای چندمین بار به کرونا مبتلا شده اند. این اوضاع مختص به ایران تنها نیست.

در قلب اروپا با پرستاری دیدار داشتم پس از شبکاری اش در یک بیمارستان بزرگ. چهره اش علیرغم پوشیده شدن آن با ماسک اما نشان از خورد و خمیر شدن اش در طی یک شیفت شبانه را داشت. خطوط سرخ شده روی گونه هایش را میتوانستم ببینم. این خطوط رفته رفته به زخم تبدیل میشود و حتی تحمل همین ماسک را هم از پرستاران میگیرد. میدانستم در بخشی کار میکند که فقط بیماران مبتلا به این ویروس را پذیرش و مداوا میکنند و یا همراهی تا مرگ.

از حالش پرسیدم؟

انگار که منتظر این سوال بود و با چشمانی مرطوب گفت:

خیلی بد و الان میرم خانه و نیم ساعت دوش داغ میگیرم تا اگر ویروسی از لای لباسهای ویژه بر بدنم نشسته باشد، شسته و دور شود تا بتوانم بخوابم و دوباره امشب شیفت شبانه ام را انجام دهم.

کنجکاو تر شدم و پرسیدم چه خبر است در آن بخش؟

گفت: اوضاع وحشتناک و فجیع است. نیمی از بیماران و اغلب پیرترها را همراهی میکنیم تا بمیرند و تنگی نفس همگانی آنها در بسیاری از موارد صاعقه وار همه پرسنل را سورپریز میکند.

می گفت در شرایطی خاص لباسهای مخصوص آنها برای درمان بیماران کرونایی شباهت زیادی به افرادی دارد که در مناطق آلوده به مواد شیمیایی یا رادیو اکتیو انجام وظیفه می کنند. ماسک های خرطومی! همین امکانات حفاظتی برای پرستاران در ایران موجود نیست و نه از امنیت شخصی حین کار برخوردارند و نه از امنیت شغلی!

دستمزد پائین آنها و گرانی و تورم مزمن و غیر عادی آنها را مجبور میکند تا روزانه در چند بیمارستان کار کنند. در طول مدت زمانی که سر و کله این ویروس آدمخوار پیدا شده است دستمزد این طیف اجتماعی اصلا تغییری بخود ندیده است. مسئولین جمهوری اسلامی که در ابتدا این ویروس را با سرماخوردگی ساده برابر دانسته و سعی در ایجاد آرامش اجتماعی کاذب داشتند در روند پیشرفت این پاندمی نیز رکورد زدند و بارها موضوع روز رسانه های بین المللی شدند. آنها نشان دادند که نمیخواهند و نمی توانند در برابر اینگونه فجایع تدابیر ضروری را اتخاذ و برقرار کنند و در کنار مردم کشورمان بایستند. آنها از اینگونه وقایع برای پر کردن جیب خود و وابستگیان شان بهره برده و همزمان به فال نیک میگیرند و سرکوب مضاعف اعتراضات و اعتصابات را سامان میدهند.

چه در ایران و یا کشورهای منطقه و چه در قلب کشورهای اروپایی با تجهیزات مجهزتر، هستند بسیاری که به هر دلیلی تدابیر بهداشتی را رعایت نمی کنند و از اطلاع دادن به محل کار یا تجمع رسمی خود پرهیز میکنند. این طیف ممکن است که علائمی خفیف از این بیماری را داشته باشند اما در سطح وسیع ناقل این ویروس به سایرین خواهند بود. از سویی فشارهای مالی و وحشت از بیکاری آنها را ناگزیر به سکوت میکند و از جهتی در معرض خطر قرار دادن محیط تماس راهی برای توجیه این ناهنجاری رفتاری باقی نمیگذارد.

کرونا نه تنها یک حقیقت است که واقعیتی عینی و هولناک است. یلدا نزدیک است و برای حفاظت از نزدیکان مان و همبستگی انسانی و با یاد عزیزانمان در خانه بمانیم

بهروز سورن

18.12.2020

منبع نوشته

آگاهی نیوز
info@agahi.new